

مقایسه شاخص بهره‌وری نیروی کار در بخش صنعت با بخشهای مختلف کشور
هدیه وجدانی طهرانی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
باشگاه خبرنگاران جوان

امروزه اندیشه‌های بهره‌گیری درست و کامل در اختیار گرفتن منابع وامکانات یکی از مهمترین راهکارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحت عنوان بهره‌وری شناخته شده و توفیق در تسریع روند بهره‌وری یکی از شروط اصلی دستیابی به جایگاه مناسب در صحنه رقابت جهانی و افزایش رفاه زندگی مردم یک جامعه میباشد. شرایط هر کشوری که به طور طبیعی با شرایط دیگر کشورها متفاوت می‌باشد ایجاب مینماید که رویکردهای بهبود بهره‌وری در هر جامعه و کشوری دارای ویژگیهای خاص همان کشور باشد. گرچه در توضیح و تعریف کاربردی بهره‌وری نظر کلی وجود ندارد و تعاریف متعددی از این واژه ارائه شده است اما کاربردی‌ترین آنها از نظر سازمان بهره‌وری ایران به صورت ذیل ارائه گردیده است: به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی، تسهیلات و غیره به طریقه علمی، کاهش هزینه‌های تولید، گسترش بازارها با افزایش اشتغال و کوشش برای افزایش دستمزدهای واقعی و بهبود استانداردهای زندگی آنگونه که به نفع کارکنان، مدیریت و جامعه باشد. به زبان ساده تر میتوان این واژه را چنین بیان نمود: بهره‌وری عبارت است از حداکثر استفاده از امکانات و منابع در دسترس به منظور نیل به اهداف مورد نظر و جلوگیری از اتلاف امکانات و به هدر دادن منابع و پیشگیری از ضایعات و از بین بردن ضریب تخریب و انهدام منابع. بر این اساس در کشور ما نیز ارتقاء سطح بهره‌وری به عنوان یکی از اهداف کلیدی برنامه‌های توسعه مطرح شده است. بدین ترتیب که در برنامه پنجم توسعه مقرر شده که یک سوم رشد اقتصادی کشور باید از محل ارتقاء بهره‌وری تامین گردد. این بدان معنی است که بخش مهمی از رشد مورد انتظار باید از محل بهره‌وری حاصل گردد. یکی از ظرفیتهای مورد استفاده برای تحقق این هدف، بخش صنعت است. این بخش بیش از بیست درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را در سال ۸۹ به خود اختصاص داده است و نقش محوری در پیشبرد اهداف کلان اقتصاد کشور

را به عهده دارد. بخش صنعت صنایع مختلفی از قبیل صنایع غذایی و آشامیدنی، خودروسازی، پتروشیمی و ... را در بر می‌گیرد و بر اساس پروانه‌های بهره‌برداری شده در حدود ۱۰۸ هزار نفر شاغل را در سال ۹۰ پوشش می‌دهد.

بررسی عملکرد این بخش طی برنامه‌های توسعه حاکی از آن است که متوسط رشد این شاخص در بخش صنعت طی سالهای اجرای برنامه‌های اول تا چهارم توسعه به ترتیب معادل ۳/۷۵، ۳/۵۳، ۷/۴۹ و ۷/۹۵ درصد بوده است. به منظور محاسبه این شاخص از نسبت ارزش افزوده بر نیروی کار شاغل در صنعت استفاده شده است. علاوه بر این، متوسط رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار طی برنامه‌های دوم تا چهارم توسعه بیش از متوسط رشد این شاخص در کل کشور بوده است.

از سوی دیگر، مقایسه میان بخشهای اقتصادی کشور گواه آن است که متوسط رشد شاخص فوق‌الذکر در بخش صنعت طی سالهای اجرای برنامه اول توسعه، بالاتر از بخشهای حمل‌ونقل و ارتباطات (۳/۲۱ درصد) و نیز آب و برق و گاز (۲/۰۳ درصد) و پایین‌تر از بخشهای معدن (۶/۰۸ درصد)، کشاورزی (۶/۰۱ درصد) و ساختمان (۸/۷۷ درصد) بوده است. لیکن طی سالهای اجرای برنامه دوم توسعه، متوسط رشد شاخص مربوطه بالاتر از بخشهای حمل‌ونقل و ارتباطات (۳/۰۷ درصد)، معدن (۲/۳۳- درصد)، کشاورزی (۱/۳۹ درصد) و ساختمان (۰/۴۳- درصد) و پایین‌تر از بخش آب و برق و گاز (۳/۷۴ درصد) بوده است. این در حالی است که متوسط رشد شاخص مذکور طی سالهای اجرای برنامه‌های سوم و چهارم توسعه همواره بالاتر از سایر بخشهای اقتصادی کشور بوده است. علاوه بر این ملاحظه شده است که کمترین میزان این شاخص مربوط به سالهای اجرای برنامه دوم توسعه و بیشترین میزان آن مربوط به سالهای اجرای برنامه چهارم توسعه بوده است.

جالب توجه آنکه، متوسط رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار طی سالهای اجرای برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، بیش از دو برابر رشد این شاخص طی سالهای اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه بوده است.